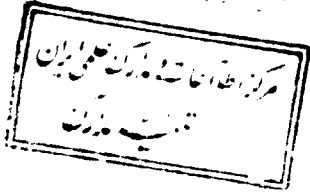


۲۵۷۶۵

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ.

بگو: آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

قرآن مجید، سوره زمر، آیه ۹

۲۵۷۶۵

دانشگاه فردوسی مشهد

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی

پایان نامه تحصیلی

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد تاریخ

موضوع:

مشهد و کودتای ۲۸ مرداد

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر مسین الهی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر رامپور صدر نبوی

پژوهش و نگارش:

جمشید قشنگ

۱۲۷۰۹/۲

اسفند ۷۴ - فروردین ۷۶

۲۵۷۴۵

کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی مشهد

تلفن: ۸۰۷۸۴۷

تقدیم به مادر فداکار و مهربانم

تقدیم به همه مادران فداکار و مهربان

تقدیم به مادران صبورشدها

تقدیم به همه انسانهایی که خوشحالی، سعادت، عدالت

اجتماعی و توسعه را، در عمل برای همه مردم خواستارند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان مطالب
۱	پیشگفتار
۹	مقدمه
۱۸	فصل اول: مطبوعات، عملکردها و مواضع قبل و بعد از کودتا
۹۷	فصل دوم: نظامیان
۱۲۱	فصل سوم: احزاب، جمعیتها و گروهها
۲۳۳	فصل چهارم: مشهد از ملی کردن صنعت نفت تا کودتای ۲۸ مرداد
۳۰۷	فصل پنجم: پرده آخر، برداشتهایی از تاریخ
۳۲۲	روز شمار (کرونولوژی)
۳۵۰	منابع و مأخذ
۳۶۰	ضمایم: اسناد، مدارک و عکسها

«بنام هدایت کننده‌ها»

پیشگفتار

اکنون که مشغول نوشتن این سطور می‌باشم، بیش از یک سال از آغاز کار غیر متناوب من بر روی این رساله می‌گذرد. در اسفندماه ۷۴ بود که اولین فعالیت‌هایم را در جهت انجام این مسؤلیت مهم آغاز نمودم. با توجه به محدودیت زمانی، توضیحات فشرده‌ای را خدمت خوانندگان محترم عرض می‌نمایم. امیدوارم با این توضیحات، جویندگان حقیقت با روشن بینی بیشتری به صحنه تاریخ وارد شوند.

یادم می‌آید که درس تاریخ معاصر ایران را با آقای دکتر حسین الهی می‌گذرانیدیم. عنوان تحقیق من در درس مزبور ((عوامل درون مرزی کودتای ۲۸ مرداد)) بود. در دوران کارشناسی نیز روی عوامل کودتای ۲۸ مرداد کار کرده بودم.

علاقه و اشتیاق مرا بر آن داشت که از آقای دکتر الهی درخواست نمایم که رساله یا پایان‌نامه تحصیلی‌ام نیز در مورد کودتای ۲۸ مرداد باشد. استاد گرامی و با تجربه‌ام پاسخ دادند که روی این موضوع کار شده است و چه خوب است که شما همین موضوع را در مشهد کار کنید.

بدین ترتیب بود که با راهنمایی ارزنده و تاریخی استاد، کار بر روی رساله‌ام را تحت عنوان ((مشهد و کودتای ۲۸ مرداد)) آغاز نمودم. اطلاعات قبلی و تجربیات بعدی من نیز

۱۱

مؤید راهنمایی و نظر صحیح آقای دکتر الهی بود، زیرا مشخص شد که:

۱- محققان پرتلاشی بر روی کودتای ۲۸ مرداد کار کرده بودند که علاوه بر منابع و اسناد داخلی، بر منابع و اسناد خارجی نیز دسترسی یافته بودند. برخی از این نویسندگان، خود نیز در آن عصر زندگی کرده و از نزدیک شاهد وقایع و حوادث بوده‌اند.

اعتراف می‌کنم که لااقل با توجه به شرایط فعلی، نمی‌توانستم کار بهتر و مناسبتری را نسبت به پیشینیان عرضه کنم. وجود مشکلات اقتصادی که امکان مسافرت خارجی و حتی مسافرت‌های متعدد داخلی را از انسان سلب می‌کرد، دسترسی به منابع و اسناد را دشوار می‌کرد. از همه مهمتر این امر می‌باشد که بدون تعارف، این جانب در سطح علمی آن مورخان و پژوهشگران برجسته نبودم.

۲- در مورد مشهد و کودتای ۲۸ مرداد، به هیچ اثر مستقلی دست نیافتم. این موضوع شاید از نظر دسترسی نویسنده به منابع و مآخذ، نوعی مشکل محسوب می‌شد، اما از سوی دیگر امتیازی به حساب می‌آمد. جدید بودن موضوع، علاقه عوام و خواص به تاریخ معاصر و مفید دانستن طرح این مقطع از تاریخ را به فال نیک گرفته و مشغول کار شدم، علاقه شخصی نیز کمربند ایمنی مطمئنی برای کوشش‌هایم به حساب می‌آمد.

باید اعتراف کنم که در ابتدای امر، فکر نمی‌کردم که به این همه اطلاعات و نتایج در پایان کار دست یابم. کسب اطلاعات جدید و دستیابی به اسناد و مدارک تازه، شور و شوق مرا افزایش می‌داد. هنگامی که فهمیدم یکی از خیابانهای مهم مشهد که به نام یکی از سناتورهای انتصابی شاه در مجلس سنا حسن کفائی نامگذاری شده بود، هنوز پابرجاست، از شادی در پوست خود نمی‌گنجیدم. آیا با این اکتشاف بزرگ تاریخی می‌توانستم، محرومان جهان را نجات بخشم؟

کسب این نتایج و اطلاعات، دستیابی به اکتشافات تاریخی که به یک چشمه آن اشاره کردید و خلاصه به پایان رساندن این رساله بدون همکاری، مساعدت و مهربانی بسیاری از افراد حقیقی و حقوقی امکان‌پذیر نبود. چون تحصیل علم و رشد فکری و فرهنگی انسانها،

در طی دورانی طولانی به دست می‌آید، تقدیر و تشکر از همه کسانی که در این امر نقش داشته‌اند، لازم و ضروری است. هیچ‌کس نمی‌تواند نقش آن مادری که فداکاری، آن معلمی که القبا و آن پیامبری که مذهب را به انسان آموخت، فراموش نماید. بر همین مبنا، درود خود را نثار این عزیزان می‌کنم:

مادر فداکار، پدر مرحوم و خانواده گرامی ام،

پیامبران راستین و امامان عزیز،

دبستان باغچه‌بان، مدرسه راهنمایی سالیانی و جوینی، دبیرستان شهید فرزانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

اساتید گروه تاریخ، دیگر گروه‌ها و دروس عمومی: چه آنها که در قید حیات هستند و چه

آنها که به سرای باقی شتافته‌اند مانند شادروان دکتر حائری، شادروان دکتر خواجه‌یون،

شادروان دکتر علوی

نویسندگان و هنرمندان داخلی و خارجی

اقوام، آشنایان و بیگانگانی که هر یک درسی از زندگی را به من آموختند.

در اینجا نیز از افراد، مراکز و بخش‌های زیر قدردانی و برایشان آرزوی موفقیت و

سعادت‌مندی می‌نمایم:

۱- از استاد راهنمای رساله، آقای دکتر حسین الهی متشکرم. ایشان علاوه بر آن پیشنهاد

سازنده اولیه، هرگاه به دیدارشان می‌رفتم، باروی باز و چهره‌ای مهربان استقبال می‌کردند.

تذکرات و راهنمایی‌های استاد گرامی، کمک مؤثری در پیشبرد رساله‌ام محسوب می‌شد.

۲- از آقای دکتر رامپور صدر نبوی که مشاورت این رساله را قبول نمودند،

سپاسگزارم. ایشان لطف فرموده و با صرف وقت و دقت نظر این رساله را مطالعه

فرمودند. قبول این زحمات از سوی این استاد برجسته، از یک طرف باعث شرمندگی و از

دیگر سو افتخاری برای این جانب به حساب می‌آمد.

۳- از کتابخانه، بخش مجلات، کتابخانه گروه تاریخ و بخش سمعی و بصری دانشکده

ادبیات و علوم انسانی مشهود ممنون هستم. غیر از یاری مستقیم این عزیزان، برخورد بسیار گرم و صمیمانه آنها نقش مهمی در تقویت روحیه و پیشرفت کارهایم داشت.

۴- همکاری بخش آرشیو مطبوعات و چاپ و تکثیر کتابخانه آستان قدس رضوی، بسیار حائز اهمیت و شایان سپاسگزاری می‌باشد. در حدود سه ماه و نیم بود که به بخش آرشیو مطبوعات کتابخانه فوق مراجعه می‌کردم. گاهی اوقات کارمندان این بخش، در روز بیش از ده نسخه روزنامه را در اختیارم قرار می‌دادند.

۵- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شعبه خراسان: مسوولین و کارمندان این مرکز نیز، به طور صمیمانه‌ای با من همکاری نمودند. آنها مانند یکی از همکارانشان، با من رفتار می‌کردند. چای، میوه و شیرینی می‌آوردند. حتی یکی از آنها، چند کیلو از سهمیه مرغ خود را به من داد. به هر صورت پذیرایی مادی و معنوی آنها هم فال بود و هم تماشا. درود و سپاس خود را نثار آنان می‌کنم.

۶- آرشیو روزنامه خراسان: اگر چه چند ساعتی بیشتر در خدمت برادر گرامی مسوول این بخش نبودم، اما همکاری ایشان قابل یادآوری و تقدیر می‌باشد.

۷- کتابخانه عمومی دکتر علی شریعتی: در محضر این عزیزان نیز چند ساعتی بیشتر نبودم. از همکاری آنان نیز سپاسگزارم.

۸- سازمان اسناد ملی ایران: از این سازمان به خاطر در اختیار قرار دادن اسناد مهم و قابل توجه متشکرم. همچنین یکی از مسوولین آن جا، از ۱۶ برگ نسخه در خواستی من، بجای ۱۶۰ تومان، ۸۰۰ تومان گرفت و حتی می‌خواست چیزی نگیرد. از تخفیف و مساعدت قانونی او نیز ممنونم.

۹- کتابخانه شماره ۱ و ۲ مجلس شورای اسلامی

۱۰- کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۱۱- مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی: این مؤسسه بدون اینکه بنده معرفی نامه‌ای داشته باشم، صمیمانه با من همکاری نمود. اگر چه در

جستجوی اسناد، به سند مورد نیازم دست نیافتم، اما برخورد خوب و همکاری پرلطف آنان، از یاد رفتنی نیست.

مراجعه به این مؤسسه که در خیابان فرشته تهران قرار گرفته است، از یک لحاظ دیگر نیز برای من خاطره انگیز است. برای یک دانشجوی بورسیه که تمام رفت و آمدهای او در تهران یا با پای پیاده و یا با اتوبوس صورت می گرفت، بازدید این خیابان غنیمتی به حساب می آمد. در حدود یک هفته ای که در تهران، برای کار رساله ام فعالیت می کردم، از آلودگی و گرمای هوا کلافه شده بودم (در اواخر اردیبهشت یا اوایل خرداد). با خودم می گفتم که این تهرانیها چطور می توانند این زندگی را تحمل کنند. * چرا میلیونرها یا میلیاردرها یا ... به جای دیگری نمی روند؟ آخر این هم شد زندگی

به دلیل وقت محدود و شرایط ویژه، معمولاً از صبح زود تا شب را با یک نان و چند چای (از فلاکس داخل کیفم) سپری می کردم. آن روز از صبح تا ظهر در یکی از مراکز مشغول کار بودم. چون به طور اتفاقی از وجود مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی مطلع شده بودم، تصمیم گرفتم بعد از ظهر به آن محل سری بزنم. از میدان ولی عصر (عج) سوار اتوبوس شدم و در محل موعود پیاده گردیدم. از اول خیابان فرشته تا مؤسسه مزبور، راهی نسبتاً طولانی بود، به خصوص برای یک فرد خسته و کوفته. اما زیبایی و لطافت خیابان فرشته، خستگی ما را تحت الشعاع خود قرار داده بود. ساختمانهای زیبا، درختهای روح نواز و جویهایی با آب تمیز. من در آنجا بودم که خرید و فروش خانه های یک میلیاردی را در تهران باور کردم و فهمیدم که چرا ثروتمندان از این شهر گریزان نیستند. انسانهای عادی و دانشجویان بورسیه، مگر به خواب شب یا در بهشت برین به این منازل راه یابند تازه آن هم به دو شرط:

۱- شبها خواب خوش ببینند و نه کابوس.

۲- در سرای باقی به بهشت بروند و نه جهنم.

حال که صحبت به اینجا رسید باید از دوستان خوبم آقایان الهی زاده و حسین تقی زاده در

* البته این سؤال در ذهن من وجود دارد؛ به راستی بعضی از انسانها زندگی می کنند، یا زندگی را تحمل می کنند؟

خوابگاه تربیت مدرس تشکر و تقدیر نمایم. هنگامی که شبها خسته و کوفته بر می‌گشتم، این عزیزان با نهایت خلوص و مهربانی از من پذیرایی می‌کردند. درود بر دانشجویان کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه تربیت مدرس و به امید دیدن خواب خوش و رفتن به بهشت برای آنها.

۱۲- از افراد و مراکز زیر که عکس یا سند یا مجله در اختیارم قرار دادند، سپاسگزاری می‌کنم:

آقایان هدایت و مهدی نجارنیا، اسماعیل آموزگار، حیدر رحیم‌پور، حسین احدی اخلاقی، احمد قریشی خیاط، سعدالله دهقانی، پسر آیه‌الله کلباسی، عباس هرمزاده.

قهوه‌خانه محمد دریانها

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شعبه خراسان

کتابخانه آستان قدس رضوی، بخش آرشیو مطبوعات

از دوست محترم آقای حسین قاسمی که در دست‌یابی به بعضی منابع مرا یاری دادند، سپاسگزارم.

از دوست گرامی آقای احمد جامی که در تکمیل عکس اسد چلق همکاری کردند، متشکرم.

۱۳- از تمام افرادی که وقت خویش را برای انجام مصاحبه در اختیارم قرار دادند، متشکر و سپاسگزارم. این تشکر و سپاس از دو جنبه را در بر می‌گیرد:

الف تشکر و سپاس به خاطر پذیرایی مادی: ایرانیان به مهمان‌نوازی شهرت دارند و من این امر را به خوبی احساس نمودم. وقتی به منازل این افراد مراجعه می‌کردم، آنان یا خانواده شان با چای، میوه، شیرینی ... از من پذیرایی می‌کردند. گاهی می‌خواستند مرا برای شام نگهدارند، که البته چون فرد کم‌رویی بودم، نمی‌پذیرفتم.

یکی از این افراد، درخواست نمود که بعداً یک جلد از رساله را در اختیار وی بگذارم. وی از میزان هزینه این کار سؤال نمود. من گفتم اگر رساله چاپ شود، حدود هزار تا دو هزار

تومان می‌شود. او مبلغ بیست هزار تومان پیشنهاد کرد و گفت: با مابقی این پول، هر کار خواستی، بکن. معلوم بود که هدف او کمک بوده است. من این مبلغ را قبول کردم. چون ایشان نمی‌خواهند که اسم ایشان را ببرم، از نام بردن اسمشان پرهیز و از کمکشان تشکر می‌کنم.

ب پذیرایی معنوی: برخورد گرم و صمیمانه و تشویق‌های روحیه ساز این انسانها، نقش قابل توجه‌ای در پیشرفت کار من داشت.

به هر صورت گفتگوهای مستقیم، در روشن کردن راه و به انجام رسانیدن رساله بسیار مهم و مؤثر بود.

۱۴- در تصحیح و ویرایش و آماده‌سازی این رساله، علاوه بر ارشادات استاد راهنمای گرامی ام، از افراد زیر نیز تشکر می‌نمایم:

آقای دکتر محمد جعفر یا حقی و دکتر محمد مهدی ناصح، به خاطر استفاده از کتاب آنها یعنی ((راهنمای نگارش و ویرایش))

دوستان عزیز و گرامی ام استاد رضا افضلی و دبیر محترم محمدتقی نوا.

۱۵- پرواز با ققنوس* و تشکری از مردم چین: یکی از یاران و همراهان اصلی و باوفای من در زمان تحصیل، دوچرخه‌ام بود. این یار بی‌زبان، در انجام کار رساله‌ام نیز، حق بزرگی بر گردن من دارد. از کوچه و پس کوچه‌های پنج راه و عیدگاه تا شهرک امام سجاد (ع) (شهر جدید) همراه با ققنوس افسانه‌ای به پرواز درآمدم. با توجه به کمبود وقت، پرواز با ققنوس هم ورزشی مفید به حساب می‌آمد و هم در فقدان یک سیستم منظم و کارآمد اتوبوسرانی، غنیمتی بزرگ. این پرنده سبکبال، گره‌های ترافیکی را به راحتی گشوده و مرا در یافتن اکتشافات تاریخی یاری می‌نمود.

از آنجا که این دوچرخه توسط مردم زحمتکش چین ساخته شده است، سپاسها و تشکرات خود را نثار آنان می‌کنم.

در طی دوران تحصیل و به پایان بردن این رساله، از کمکهای مستقیم و غیر مستقیم،

* ققنوس، مرغ افسانه‌ای معروف است. نام دوچرخه باکارخانه سازنده دوچرخه ام، phoenix می‌باشد که به معنای ققنوس می‌باشد.



مادی و معنوی دوستان عزیزی مانند آقای علیرضا یغمایی، احمد وثوقی یزدی، همسر، خواهر و مادرم بهره‌مند شدم.

همچنین از دوست گرامی ام‌آقای امید آصفی و همکاران ایشان در شرکت اندیشه نگارتوس که زحمت حروفچینی و صفحه‌آرایی این رساله را به عهده گرفتند تشکر و سپاسگزاری می‌نمایم.

ضمن آرزوی سعادت برای این انسانهای خوب، از تمام افراد و مراکزی که هر یک به نوعی در پیشرفت کارم موثر واقع شدند، تشکر و سپاسگزاری می‌کنم.

در خاتمه جا دارد از عزیزانی که به هر نحوی مراد انجام این مهم یاری داده و در اینجا اسمی از آنها برده نشده است تقدیر و تشکر نمایم.

مقدمه

تاریخ معاصر به علت نزدیکی به زمان ما، دارای ویژگیها و جذابیت‌های خاص خود می‌باشد. همین امر موجب می‌شود که عامه و خاصه مردم، با کنجکاوی، حساسیت و علاقه، نسبت به آن واکنش نشان دهند. انقلاب مشروطه، سرنوشت احمد شاه، قیام جنگلیها، حماسه کلنل پسیان، اقدامات رضاخان، واقعه کشف حجاب، ماجرای مسجد گوهرشاد، ورود متفقین، و ترور محمدرضا شاه، ازدواج شاه و فوزیه، نهضت ملی شدن صنعت نفت، روابط آیه الله کاشانی و دکتر مصدق، کودتای ۲۸ مرداد... از جمله موضوعات جالب توجه این مقطع از تاریخ محسوب می‌شوند. البته بدیهی است که هر یک از افراد جامعه با توجه به علاقه، هدف، بینش و جهان بینی خاص خود با این موضوعات برخورد می‌کند.

به هر صورت، خوب یابد، زشت یا زیبا، مطلوب یا نامطلوب، این تاریخ معاصر ما می‌باشد. اگر ما می‌خواهیم که آیندگان از تاریخ فعلی ما به خوبی، زیبایی و مطلوبیت یاد نمایند، می‌بایستی که از تاریخ گذشته‌گانمان به خوبی، زیبایی و مطلوبیت درس بگیریم. پیروزیها و کوششهای آنان را ارج نهیم و علل شکستها و ناکامیهای آنان را دریابیم و بکشیم که اشتباهات آنان را تکرار نکنیم.

باید این نکته را پذیرفت که مقاطع تاریخی نیز مانند ابرها در حال گذشتن هستند. اگر ما قدر لحظات و مقاطع فعلی را ندانیم و از آن به بهترین شکل ممکن استفاده نکنیم، در نزد فرزندان خود، روسفید نخواهیم بود. روشن است که در این میان وظیفه‌علماء، دانشمندان، محققان و مورخان بیش از دیگران خواهد بود.

رسالت مورخ آگاه و با وجدان، روشن کردن حوادث و رویدادهای گذشته می‌باشد. این مهم باید بدون تعصب و غرض و رزی صورت بگیرد تا بتوان از نتایج نیکوی آن در زمان

حال نیز سود جست. گاهی اوقات مورخ بدون این که متوجه باشد یا سوء نیتی داشته باشد، از مسیر اصلی تاریخ منحرف می‌شود. برای روشن شدن این موضوع از حوزه‌های ادبیات و جغرافیا کمک می‌گیریم. امیدواریم که همکاران و اساتید این حوزه‌ها، این جسارت بر ما ببخشایند.

مورخ غواص، وارد اقیانوس تاریخ می‌شود. کوسه‌های تعصب، هشت پایهای استبداد، گردابهای جهالت و مارهای سمی مثل ترس، تملق و دروغ از خطرهایی هستند که او را تهدید می‌کنند. اگر مورخ غواص این خطرات را پشت سر گذاشت، بایک خطر جدی و نامرئی مهم یعنی جریانهای آب سرد و آب گرم مواجه خواهد شد.

فرض می‌کنیم که مورخ غواص ما وارد یکی از این جریانهای آبی سرد یا گرم می‌شود. او در آنجا کار علمی و تحقیقاتی خود را آغاز می‌نماید و با پشتکار و بدون تعصب به کارش ادامه می‌دهد. اگر این شخص، تنها و تنها در محدوده همان جریان آبی به تحقیق و پژوهش علمی خود ادامه دهد آیا می‌توان به نتایج کار او امیدوار بود؟ جواب این سؤال منفی است، زیرا هنگامی می‌توان به نتایج کار آن مورخ امیدوار بود که او خود را، تنها در حوزه آن جریان آبی محدود و محصور نکند. او می‌بایستی به دیگر نقاط اقیانوس نیز سفر نماید و با سایر جریانهای آبی نیز آشنا شود و سپس به نوشتن تاریخ بپردازد.

مورخینی که نسبت به یک شخص یا سلسله یا رویداد تاریخی، نگرشی یکسویه داشته و بدون دلیل بر روی آن تعصب می‌ورزند، خواسته یا ناخواسته وارد یکی از این جریانات آبی شده‌اند. اگر چه بعضی از نظریات این دسته از مورخین با واقعیت سر و کار دارد، اما در مجموع، راهی را که آنها پیمایند، با راهی که به جاده حقیقت منتهی شود، یکی نخواهد بود.

نهضت ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد از جمله حوادث مهم و تاریخ‌ساز برای کشور ما می‌باشد که برای کشور مامی باشد که برای شناخت آن باید به تمام جریانات سرد و گرم اقیانوس تاریخ در این مقطع از تاریخ مراجعه نمود. نهضت ملی شدن صنعت نفت به پیروزی رسید، اما عواملی موجب شد دست کثیف استعمار، جلوی این پیروزی را سد

نمایند. برای آن که در آینده نتوانند جلوی پیروزیهای ما را سد نمایند، شناخت کامل و صحیح این مقطع از تاریخ معاصر ما، فوق العاده اهمیت دارد.

کودتای ۲۸ مرداد یکی از جریانات عبرت دهنده تاریخ معاصر می باشد که باید از همه سو مورد بررسی قرار گیرد. این کودتا توسط استعمار انگلیس و امریکا و عوامل داخلی آنها به ثمر رسید. کودتا علاوه بر تهران، در سایر شهرستانها نیز واکنشها و انعکاسهایی را به همراه داشت. در تهران تظاهرات شاهدوستانه و ضد مصدقی از صبح آغاز شد، اما در شهرستانها، مردم در صبح و بعداز ظهر، دو چهره متفاوت و عجیب از تاریخ را مشاهده نمودند. از صبح تا ظهر، تظاهرات به نفع مصدق و علیه شاه در جریان بود. در بعداز ظهر، پس از پخش خبرهای پایتخت، تظاهرات برعکس گردید.

شاید ذکر همین یک فراز از تاریخ معاصر، برای برانگیختن حس کنجکاوی عوام و خواص کافی باشد. یک تحقیق علمی و منصفانه همانند آب سردی بود که می توانست شعله های این آتش کنجکاوی را فرو نشانند.

به هر صورت، ما هم وارد میدان تاریخ معاصر شدیم و با عنوان ((مشهد و کودتای ۲۸ مرداد)) به صحنه قدم نهادیم. با توجه به اینکه هیچ کتاب مستقلی در این زمینه تألیف نشده بود، مسؤولیت ما سنگین تر می شد.

منابع و مآخذی که در تألیف این رساله از آنها سود بردم، به چهار دسته تقسیم می شوند:

۱- کتابها: قبلا گفتیم که هیچ کتاب مستقلی در مورد موضوع رساله ما نوشته نشده است. تنها چند کتاب، به صورت جسته گریخته و محدود، اشاره هایی به بعضی از وقایع آن زمان داشتند. به هر صورت همین اطلاعات اندک نیز در پیشبرد اهداف ماموثر بودند.

۲- مطبوعات: یکی از مهمترین منابع اطلاعاتی ما، روزنامه های منتشره در آن مقطع بودند. متأسفانه اگر چه همه روزنامه های منتشره در آن زمان، در دسترس ما قرار نداشتند، اما باز هم مقدار قابل ملاحظه ای روزنامه باقی مانده بودند که غنیمتی بزرگ برای رساله کوچک ما محسوب می گردید.